

الجزایر

- ۲ -

سرانجام چنانکه همه میدانید پس از توطئه‌ها و بهانه جوئی‌های پی‌درپی، فرانسویان به الجزایر حمله بردند، و در سال ۱۲۴۶ هجری قمری، پنجم ژوئیه ۱۸۳۰ میلادی پس از جنگی که ۲۲ روز طول کشید و مردم الجزایر دلاورانه برابر دشمن ایستادگی کردند وارد الجزایر شدند. هر چند در این نبرد الجزایر شکست خورد ولی مردم این کشور هرگز تسلیم نشدند در مدت یک قرن و ربع با فرانسویان جنگیدند. چنانکه دولت فرانسه، ناچار شد معاهده معروف (تافنه) را با عبدالقادر امضاء کند. ولی از طرف دیگری در پی در داخل این کشور بتوطئه‌ها دست میزد و میکوشید که نیروهای مجاهدان را پراکنده سازد و سرانجام هم موفق گردید و معاهده را زیر پا گذاشت.

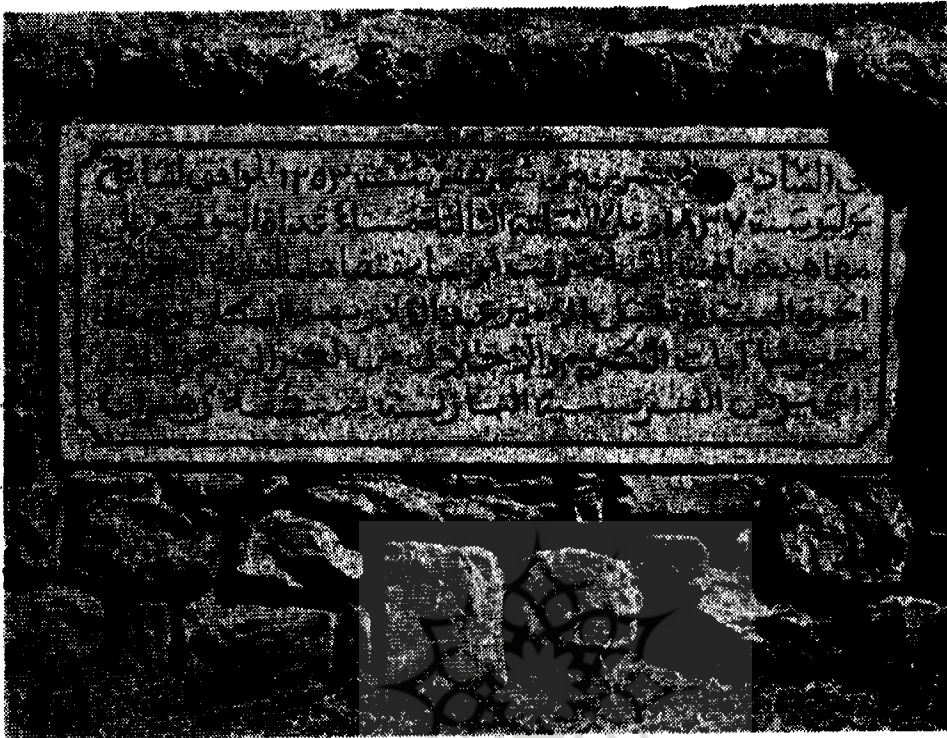
عبدالقادر و مبارزه‌های او :

اگر بخواهند در باره مبارزه‌های ملت الجزایر با اشغالگران فرانسوی تاریخی بنویسند کتابی بزرگ خواهد شد که مسلماً در خشناترین فصل آن نبردهای امیر محی‌الدین و پسر وی عبدالقادر است. با نام عبدالقادر بخاطر موقعیت نظامی و رشادت او در میدان‌های جنگ آشنائی دارید، اما شاید بعضی از شما نشنیده باشید که وی هنگامیکه بمبارزه با اشغالگران برخاست، عالمی عامل و دین داری کامل بود و در دمشق و بغداد نزد علمای این دو شهر تعلم یافته بود. بنابراین در مبارزه مردم الجزایر نیروی ایمان را باید عامل اساسی پیروزی دانست.

عبدالحمید بن بادیس :

در اینجا باید از عالم ارزنده دیگری نام ببریم که کوشش علمی و عملی او در آزادی الجزایر بلکه شمال آفریقا اثری فراوان داشت، ولی افسوس که در دنیای اسلام شهرتی را که در خور آن میباشد نیافته است. حتی نام او در بعضی کتب فرهنگ و ترجمه نیامده است. این شیخ عبدالحمید بن بادیس متولد ۱۸۸۲ - ۱۹۴۰ و از قبایل بربر است. (در باره بربر و وجه تسمیه آن شاید بمناسبت شرحی مختصر بنویسم). ابن بادیس بدون آنکه سید جمال‌الدین اسدآبادی را دیده باشد از مبارزه‌های او الهام گرفت. در سال ۱۹۳۱ که به ریاست جمعیت علمای مسلمان الجزائر نائل شد مجله شهاب را منتشر کرد و مقالات اساسی این مجله دعوت باتحاد اسلامی و قیام علیه اشغالگران بود.

ابن بادیس در واقع مؤسس مکتبی در تحول تعلیمات اسلامی در الجزایر و آفریقا



لوحه‌ای است که پیاد بود معاهده تافنه کنده کاری شده است . بر طبق این معاهده عبدالقادر و ژنرال بوژو قراردادی را امضاء کردند ، که بموجب آن فرانسه الجزایر را بعنوان دولتی آزاد بشناسد . این قرارداد بعداً عملاً از جانب فرانسویان نقض شد .

مسلمان است . نتیجه این نهضت و تجدید طلبی‌ها اولاً در قاره آفریقا این بود که در این قرن الجزایر ، تونس ، لیبی ، مراکش ، موریتانی و این ممالک دیگر اشغالگران را از سرزمین‌های خود رانندند، و ثانیاً انعکاس آن در جهان اسلام است که پس از گذشت کمتر از نیم قرن و با آنکه دو جنگ بزرگ بین الملل در خلال این مدت رخ داده است و اثرات زیان بار آن در ممالک اسلامی ، بر همگان آشکار است می بینیم نزدیکی بین ممالک اسلامی روز بروز بیشتر می شود . نفرت‌ها و اختلاف نظرها که در قرن دوازدهم و سیزدهم هجری بشدت بین مذاهب وجود داشت جای خود را به تفاهم مشترك داده است و زمینه نزدیکی بیشتر را بین رهبران دینی و سایر مسلمان فراهم ساخته است .

کنفرانس اسلامی :

اکنون که بخشی از تاریخ سیاسی الجزایر فهرست وار باستحضار خوانندگان رسید، بینیم کنفرانس اسلامی الجزایر چیست و چرا و برای چه هر سال در این کشور تشکیل می-

شود. چنانکه دیدیم الجزایر متجاوز از يك قرن بنام ملتی مسلمان با فرانسویان مبارزه کرد و حالا که بصورت دولت مستقل اسلامی در سحنه سیاست بین المللی قدم نهاده و سرنوشت خود را بدست خویش گرفته است طبعاً مشکلاتی در پیش دارد. مشکلاتی غیر از آنچه جنبه سیاسی دارد و باید از طریق مذاکرات دیپلماسی حل شود، مشکلات حقوقی و اجتماعی، حل این مشکلات باید در داخل کشور و بموجب قانون و مسئولیت دولت و بر طبق موازین اسلامی صورت گیرد. رهبران الجزایر پس از سقوط احمد بن بلا متوجه شدند که برای حفظ ثبات مملکت و درهم کوبیدن نفوذ کمونیزم باید بمبانی اسلامی توجه بیشتری شود و برای رفع گرفتاری های موجود لازمست از افکار همه علمای اسلامی استمداد کنند. انعقاد کنفرانس نمایندگان کشورهای اسلامی که پنجمین آن امسال (۱) در وهران مرکز استان شرقی الجزایر تشکیل شد بدین منظور است که درباره مسائلی محدود بحث شود. مسائلی که با زندگانی روزمره مردم الجزایر مربوط است، و بیشتر بر محور خانواده و شئون دینی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی ملت دور می زند. در سال جاری برای اولین بار از ایران دعوت شد تا در این کنفرانس شرکت کند با در نظر گرفتن اینکه از پاکستان، ترکیه و افغانستان نماینده دعوت نشده بود اهمیت خاصی که الجزایر برای ایران در بین کشورهای اسلامی قائل شده است بخوبی مشهود می گردد. گذشته از ثبات سیاسی و اقتصادی و اهمیت بین المللی کشور ما، شاید آنگهی از آراء علمای مذهب شیعه نیز یکی از امتیازاتی است که الجزایر بدان توجه دارد و این اهتمام را کاملاً درک کردم.

می دانیم که در مذهب شیعه باب اجتهاد مفتوح است یعنی مجتهدان می توانند با در نظر گرفتن مبانی اسلامی و استفاده از مدارک و توسل بحکم عقل برای مشکلات روز و فروع مستحدث حکم شرعی استنباط کنند، در صورتیکه در مذهب سنت و جماعت باب اجتهاد بسته است و فتاوی باید منطبق با آراء ائمه سلف باشد.

مباحثی که امسال در کنفرانس اسلامی در وهران طرح شد عبارت بود از:

- ۱- لغت و انقلاب فرهنگی.
- ۲- اسلام و مشکل جوانان و خانواده ها.
- ۳- اسلام و رشد اقتصادی.

یکی از مشکلاتی که الجزایر با آن روبرو است مسأله ازدواج با خارجیان است، در فقه اهل سنت و جماعت ازدواج دائم با اهل کتاب مانعی ندارد و بعضی از جوانان الجزایر بعد از آنکه زنان الجزایری عقب مانده تر از فرانسویان اند، بیشتر مایلند از فرانسویان زن بگیرند.

رهبران الجزایر متوجه شدند که اگر اوضاع بهمین منوال پیش برود، در آینده

- ۱- این یادداشت ها دو سال پیش نوشته شده است. امسال هفتمین کنفرانس در این کشور تشکیل می شود ضمناً باید توجه داشت که بعضی مسائل دو کنفرانس درهم آمیخته شده است.
- مجله یغما - استاد دکتر شهیدی در همین ماه بار دیگر به الجزایر می روند در همین کنفرانس، و ممکن است شرح مشاهداتشان به همین مقاله بپیوندد.

نزدیک مسکن است استعمار فرانسه بصورت دیگری تجدید شود و شاید این بار بنوعی مؤثرتر و ریشه‌دارتر درآید. این است که بفکر چاره جوئی افتاده‌اند. سال گذشته در قطعنامه کنفرانس تصویب شد که هر چند ازدواج با اهل کتاب از لحاظ فقه اسلامی مانعی ندارد، اما به‌خاطر حفظ مصالح ملی بهتر است که مردم الجزایر از غیر مسلمان زن نگیرند. یکی از استادان الازهر (دکتر علی عبدالواحد وافی) در پایان مقاله‌ای که برای کنفرانس پنجم از قاهره به وهران فرستاده بود نوشت که درمسأله جواز ازدواج با اهل کتاب مذاهب اسلام متحدالقول نیستند و مذهب شیعه که پیشوای آن امام جمفر صادق فرزند پیغمبر است و بیش از ۵۰ میلیون پیرو دارد این ازدواج را جائز نمی‌داند. چنین فتوی برای وزیر شئون دینی الجزایر غنیمتی بود. روزی که با ایشان ملاقات کردم پرسید رأی علمای شیعه در ازدواج با اهل کتاب چیست؟ گفتم فتوای مشهور این است که چنین ازدواجی جائز نیست. وزیر از من خواست تا در فرصتی مناسب این رأی را به اطلاع شرکت کنندگان در کنفرانس برسانم سرانجام در قطعنامه کنفرانس هم گنجانده شد.

مسأله دیگر موضوع تحدید نسل و جلوگیری از ازدیاد نفوس است که در درجه اول مشکل بزرگ کشورهای افریقائی و سپس آسیائی است. چنانکه استنباط کردم فقهای مالکی و حنفی خوردن قرصهای ضد بارداری را جائز نمی‌دانند دلیل فتوی آنان آیه ۲۳ سوره بنی اسرائیل است: «ولا تقتلوا اولادکم خشية اطلاق، نحن نرزقهم وایاکم ان قتلهم کان خطاً کبیراً»

فقها بعلت تشریح حکم توسل می‌جستند که آنجا ترس از تنگدستی موجب قتل کودکان بوده است و اینجا هم همان ملاک وجود دارد. چون نظر فقهای شیعه راجعاً به این فرع از فروع مستحدث است و من در حال حاضر بر رأی قطعی مراجع و قوف ندارم. اما نهی از قتل اولاد شامل چنین موضوعی نمیتواند باشد و بر طبق قواعد جلوگیری از بارداری با سقط چنین فرق دارد. این مطلب را نیز ناگفته نگذاریم که درباره مسأله تحدید نسل و جواز و عدم جواز آن، با فقها و علمای مالکی و حنفی و بعضی مذاهب دیگر فراوان بحث شد. مخصوصاً با شیخ عبدالله گنون دبیر جمعیت علمای مغرب که از علما و نویسندگان درجه اول مغرب است هم در الجزایر و هم در طنجه در این باره گفتگو کردم. میتوان گفت که از نظر ایشان، در حرام نبودن اصل مسأله بحثی نیست. منتهی نگرانی دیگری پیش آمده است که می‌گویند دایه مهربان‌تر از مادر شدن غربی‌ها برای آسیا و افریقا چه علتی دارد؟ می‌گویند مسیحیان احساس کرده‌اند که در بعضی مناطق افریقائی در نیم قرن پیش آمار مسیحی بیش از مسلمان بود و اکنون بر عکس شده است. اگر نصاب تصاعدی جمعیت در افریقا این چنین بالا رود، اکثریت‌های مسیحی تبدیل باقلیت خواهند شد. و دیگر اینکه می‌گویند: که اگر جمعیت افریقا بدین نسبت بالا برود مواد اولیه‌ای که اکنون از این قاره بکشورهای اروپائی صادر میشود باید بمصرف خود این مردم برسد و غریبان در مضیقه خواهند افتاد، و به‌خاطر همین بد بینی بود که آقای مولود قاسم وزیر شئون دینی الجزایر در یکی از جلسه‌های رسمی امسال (سال ۱۳۵۱) به کنفرانس استکهلم حمله کرد و گفت جنبه سیاسی این کنفرانس بر بردوستی



آن غلبه داشت .

امروز سوم مرداد ۱۳۵۰ حاج دکتر عبدالملک کریم امرالله نماینده اندونزی سخنرانی داشت . موضوع سخنرانی ایشان اسلام و مشکل خانوادگی و تربیت نژاد نو بود ولی محصول سخنرانی یکساعته این شد که مرحوم والدشان جمعیتی اسلامی تأسیس کردند که فعلا خود ایشان اداره آن جمعیت را بهعهده دارند و در ضمن سخنرانی از رئیس جمهور قبلی انتقاد و از رئیس فعلی ستایش کردند .

در پایان سخنرانی رئیس جلسه از حضار خواست که چون سخنران خسته است از او پرسشی نشود .

امروز پنجم مرداد - نوبت سخنرانی بنده بود . چون از مقدمات کسار دانستم بعضی از دوستان الجزایری من از وضع اسلام در ممالک غیر عربی کمتر اطلاع دارند زیرا اگر اطلاع کافی داشتند برای وجود جمعیت اسلامی در کشور ۹۰ میلیونی آنهم اندونزی کف نمیزدند. دیدم لازمست وضع ایران را از جهت موقعیت دینی و تعلیمات اسلامی هرچند هم مختصر باشد تشریح کنم، و از تحقیقاتی که علمای ایران در طول بیش از دو قرن از زمینه های علوم کرده اند و سهمی را که در توسعه فرهنگ اسلامی به عهده داشته اند خاطر نشان حضار سازم ،

زیرا از عکس‌العمل سخنرانی نماینده اندونزی و ابراز مسرت فراوان دانشجویان بخوبی معلوم شد ما مسلمانها مملکت هم را درست نمی‌شناسیم ، وگرنه خبر تشکیل يك جمعیت مسلمان در کشور نود ملیونی مسلمان اندونزی نباید با آن همه اعجاب روبرو شود . سرانجام گفتیم به موجب قانون اساسی دین ملت ایران، اسلام و مذهب رسمی آنان شیعهٔ دوازده امامی است . و افزودم که در پنجاه سال اخیر بیش از ۳۰۰ کتاب در رشته‌های مختلف دینی تنها یزبان عربی در ایران بچاپ رسیده است و سپس دربارهٔ وضع فعلی تبلیغات اسلامی در ایران توضیحاتی دادم و چون شنیدند که مهندسان و پزشکان و دانشجویان جمعیت‌های اسلامی برای تعلیم و بحث و مناظره دربارهٔ مسائل دینی دارند نهایت خوشحال شدند بطوری که تا مدتی کف زدن ادامه داشت .

موضوع سخنرانی مشکلات خانواده و جوانان و نظر اسلام در این باره بود که اگر فرست دست داد ان‌شاءالله تمام یا خلاصه‌ای از ترجمه آن را در آخر این یادداشت‌ها خواهم نوشت .

چون گفتار پیاپیان رسید سه تن از استادان به نوبت مطالب آنرا ستودند و تأیید کردند. آنگاه نوبت به پرسش دانشجویان رسید پرسش‌های دانشجویان بسیار بود، چه در داخل سالن و چه در تالار مجاور کنفرانس . نوشتن همهٔ این پرسشها لزومی ندارد ولی يك دو پرسش را می‌نویسم تا بدانید ما مسلمان‌ها تا چه اندازه از حال هم بی‌خبریم .

دانشجویی پرسید شما به چه خطی می‌نویسید. گفتیم به همین خطی که این مقاله نوشته شده است خط مشترك ما و شما. گویا ما را با ترکها عوضی گرفته بودند یا گمان می‌کردند ما هم خط خود را تغییر داده‌ایم .

دانشجوی دیگری پرسید قرآن شما چگونه است آیا با قرآن ما فرق دارد ؟ بسیار در بیخ خودم که تبلیغات دشمنان مشترك ما تا این درجه در ممالک اسلامی اثر کرده است . از حسن تصادف آن روز يك جلد قرآن مجید در بغل داشتم آنرا برای او فرستادم و گفتم ببینید و مطمئن باشید که این نسخه برای نشان دادن به شما چاپ نشده است . همین قرآنی است که شما دارید و می‌خوانید، همین قرآنی است که همه مسلمانان دارند. بملایم نمونه‌هایی از چاپ مختلف قرآن را در مهمانخانه دارم با من بیایید تا همه آنها را به شما نشان بدهم .

دانشجویی پرسید لباس دختران دانشجوی ایران چه شکلی است؟ مقصودش این بود که دختران دانشجو با حجابند یا بی حجاب ؟ گفتم من در راهرو این عمارت تابلویی را دیدم که عکس دختران ورزشکار را نشان میداد دختران دانشجوی ما هم تقریباً همینطور لباس می‌پوشند . ناتمام

تصحیح

بیت آخر قطعهٔ استاد امیری فیروزکوهی را در صفحهٔ ۳۲۸ همین شماره حتماً چنین بخوانید:
مرا زاد روان بس یاد بهزاد
که زادی به زیاد همدمی نیست